

# نقد و معرفی یکی از ترجمه‌های رباعیات خیام به عربی

رباعیات الخيام ، ترجمه احمد رامی ، چاپ مکتبه الغریب

از فیروز حریرچی

از جمله شاعرانیکه رباعیات خیام را در عصر حاضر به زبان تازی ترجمه کرده‌اند علی محمود طه و احمد راسی می‌باشند . دیگر مترجمان رباعیات خیام به زبان عربی اعم از شاعر و نویسنده تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد توسط محققان و فاضلان ایرانی معرفی شده‌اند لذا اطالۀ کلام در این مورد تاحدی زائد بنظر نمی‌رسد ، اما علی محمود طه صاحب اغنیة الجندول از شاعران مصر است که قطعه‌ای چند تحت عنوان رباعیات خیام بتأثیر از ترجمه

رباعیات خیام به زبان عربی سروده است و چون زبان فارسی نمی‌دانسته وجه تشابهی میان رباعیات خیام و ترجمه شاعر مذکور تقریباً وجود ندارد بعبارت دیگر رباعیات علی محمود طه مخلوق محیط ذهنی اوست . اما احمد راسی از شاعران معاصر مصر است که اغلب رباعیات خیام را بنظم درآورده است و چون این ترجمه برای فارسی زبانان تاحدی بیگانه است و از طرف دیگر در کشور مصر از دیگر ترجمه‌های رباعیات به عربی شهرت بیشتری کسب کرده است بنابراین

گفته شده، مجمل و مبهم است<sup>۱</sup> و آن مقدار هم که تاحدی سودمند بنظر می‌رسد تقریباً همان افکاری است که از اندیشه نویسنده توانای ایرانی صادق هدایت در ترانه‌های خیام تراوش کرده است.

احمد راسی صد و هفتاد و پنج رباعی را چنانکه خود دقیقاً برشمرده در بحر سریع مسدس بنظم کشیده است و درباره‌ی آشنائی خویش با خیام و ترجمه‌ی رباعیات در مقدمه‌ی کتاب چنین گفته است: بسال ۱۹۲۲ م از طرف دارالکتب المصریة به پاریس فرستاده شدم تا زبان فارسی را در مدرسه‌ی السنه شرقیه فرا گیرم در آنجا ضمن متون و کتبی که بمطالعه‌ی آنها می‌پرداختم نسخه‌ای از ترجمه‌ی رباعیات خیام را که بوسیله‌ی نیگولا مستشرق فرانسوی در سال ۱۸۶۷ م بفرانسه ترجمه شده بود بدست آوردم از مطالعه‌ی رباعیات آن چنان لذت بردم که دریغ دانستم ادب عربی از چنین گوهر نایابی بی‌بهره باشد بهمین جهت با اعتقادی راسخ مصمم شدم که رباعیات خیام را به شعر عربی ترجمه کنم. برای این منظور پس از مراجعه به نسخ خطی رباعیات در کتابخانه‌های ملی پاریس جهت استفاده از نسخ خطی دیگر در سالهای ۱۹۲۳

تفصیل کلام در باره‌ی این ترجمه خالی از فائده نخواهد بود. احمد راسی رباعیات خود را دوبار چاپ نموده و در چاپ دوم تجدیدنظر کرده و أحياناً رباعیاتی هم افزوده است. این شاعر مقدمه‌ای مشتمل بر شرح احوال خیام و کیفیت ترجمه‌ی رباعیات نوشته و در پایان، مراجع مورد استفاده‌ی خویش را اعم از کتب شرقی و غربی و نسخ خطی ذکر کرده است. در بخش شرح حال همان مطالبی را مشاهده می‌کنیم که در کتبی از قبیل چهارمقاله، نزهة الارواح، کامل-ابن اثیر، جامع التواریخ، آثار البلاد و اخبار العباد آمده است، از مطالعه‌ی این بخش از کتاب می‌توان استنباط کرد که مقدمه‌ی احمد راسی فاقد ارزش تحقیقی است و نویسنده با اسلوب تحقیق و تتبع آشنائی نداشته است زیرا همه مطالب بدون ذکر صفحه و تشخیص صحت و سقم آنها ذکر شده است و علاوه بر آن از اقوال فاضلان معاصر ایرانی برای نمونه در این شرح حال یک سطر هم نتوان یافت و با توجه به منابعی که در آخر کتاب آمده است می‌توان گفت که اقوال قدما و نوشته‌های مستشرقان در نظر نویسنده یگانه سند و حجت بوده است. اما آرائی که در باره‌ی شخصیت و زندگی خیام

۱- رجوع کنید به رباعیات الخیام: ترجمه‌ی احمد راسی ص ۱ تا ۱۲ چاپ مکتبه‌ی غریب.

۲- رجوع کنید به رباعیات الخیام ص ۱۶ تا ۱۲.

و ۱۹۲۴ به ترتیب به برلن و لندن مسافرت کردم تا اینکه اولین ترجمه خویش را در تابستان سال ۱۹۲۴ در مصر منتشر نمودم و پس از سال مذکور با پیداشدن نسخ خطی دیگری از رباعیات در چاپ قبلی اصلاحاتی نمودم و برای مزید فائده همراه با شرح حالی از خیام برای بار دیگر بسال ۱۹۳۱ چاپ کردم .

از گفته شاعر چنین بر می آید که وی در ترجمه رباعیات زحماتی را متحمل شده است که در حد خود برای بیگانه‌ای که در زبان فارسی به تتبع می پردازد درخور ستایش و تمجید است . اما انتساب ۱۷۵ رباعی به خیام خالی از اشکال بنظر نمی رسد زیرا با توجه باین نکته که همه محققان در قلت رباعیات خیام اتفاق نظر دارند نسبت ۱۷۵ آن هم بدون دلیلی قاطع کاری چندان سهل و ساده محسوب نمی شود .

احمد راسی در ترجمه خویش به نسخه که در کتابخانه‌های پاریس و لندن و برلن موجود بوده استناد کرده است ولی نه در مقدمه و نه در متن اشاره‌ای که بر قرار دادن یکی از نسخ به عنوان اساس تصحیح دلالت کند مشاهده نمی شود بهمین جهت گمان می کنم احمد راسی رباعیات را از نسخ مورد استفاده خود فراهم

نمود و بدون تشخیص سقیم و صحیح از یکدیگر به شعر عربی ترجمه کرده است به عبارت دیگر ترتیب رباعیاتی را که در کتاب مشاهده می کنیم در هیچ یک از نسخ خطی معتمد شاعر نتوان یافت، و بهتر بگوییم ترجمه رباعیات به ترتیبی که در کتاب آمده است نتیجه تنظیم و ذوق شخصی شاعر است . از همین جاست که مقدار زیادی از رباعیاتی را که به دیگر شاعران مشهور فارسی زبان نسبت داده می شود به شعر عربی ترجمه کرده است از قبیل این شعراء :  
بابا افضل کاشانی ، شاهسناجق خوانی ، مهستی ، حافظ ، سرمد کاشانی ، فخرالدین ابراهیم عراقی ، اوحدالدین کرمانی ، مولانا جلال الدین بلخی ، خواجه عبدالله انصاری ، شیخ ابوسعید ابی الخیر .

اکنون برای اثبات گفته خویش چند نمونه‌ای را ذکر می کنم :

ما ذا جنینا من ستاع البقاء

ما ذا لقینا فی سبیل الفناء

هل تبصر العین دخان الالی

صاروا رسادا فی أتون القضاء

از آمدن و رفتن ما سودی کو

وز تار اسید عمر ما پودی کو

ان كانت الجنة مقصورة  
 على المطيعين فاین العطاء  
 من بنده عاصم رضای تو کجاست  
 تاریک دلم نور و صفای تو کجاست  
 ما را تو بهشت گر بطاعت بخشی  
 آن بیع بود لطف و عطای<sup>۴</sup> تو کجاست

ولست مهما عشت أخشى العدم  
 و انما أخشى حياة الالم  
 أعارني الله حياتي و من  
 حقوقه استرداد هذي النسم  
 تا ظن نبری کز آن جهان می ترسم  
 وز مردن و از کندن جان می ترسم  
 چون مرگ حق است من چرا ترسم ازو  
 من خویش پرستم و از آن می ترسم<sup>۵</sup>  
 با مطالعه اشعار احمد راسی می توان حکم  
 کرد که ترجمه عالی ابدأ در آنها وجود ندارد  
 زیرا هیچ مترجمی هر قدر هم که در زبان خود  
 و فارسی تبحر داشته نباشد قادر نخواهد بود  
 یک مصرع را بقدرت شاعری خیام تعبیر کند  
 اما نوع ترجمه مقبول در اشعار احمد راسی  
 تا حدی فراوان است و در بسیاری از مواقع هم  
 ترجمه سرذول می توان مشاهده کرد . صفت

از روزن عمرجان چندین پا کان  
 سیسوزد و خاک میشود دودی کو<sup>۱</sup>  
 با روی نکو شراب روشن درکش  
 با دوست دل از جفای دشمن درکش  
 با ساده رخی نشین و بگذار از خویش  
 پیراهن کبر و مستی از تن درکش<sup>۲</sup>  
 اولی بک العشق و حسو الشراب  
 و حنة النای و نوح الرباب  
 فاطلق النفس ولا تحصل  
 بزخرف الدنيا الوشیک الذهب

این طهور النفس عف الیمین  
 و کیف كانت عیشة الصالحین  
 ان كنت لا تغفر ذنبي فما  
 فضلک یا ربی علی العالمین  
 ناکرده گنه در جهان کیست بگو  
 و آنکس که گنه نکرد چون زیست بگو  
 من بد کنم و تو بد مکافات دهی  
 پس فرق میان من و تو چیست<sup>۳</sup> بگو  
 عبدك عاص أمين سنك الرضاء  
 و قلبه داج فاین الضیاء

- ۱- رباعیات بابا افضل کاشانی چاپ سعید نفیسی سال ۱۳۱۱ ص ۱۶۲ .
- ۲- در دیوان حافظ چاپ مرحوم قزوینی ص ۳۸۱ این رباعی با اندکی اختلاف ذکر شده است .
- ۳- رباعی مذکور به اوحدالدین کرمانی و عراقی و سرمد کاشانی و مولوی نیز منسوب است رجوع کنید به دیوان عراقی چاپ سعید نفیسی ص ۲۲۱ چاپ سال ۱۳۳۸ .
- ۴- مناجات خواجه عبدالله انصاری ص ۱۱ .
- ۵- دیوان ابوسعید ابی الخیر چاپ سعید نفیسی سال ۱۳۳۴ .

این مترجم است و همین جزالت و روانی ، ترجمه احمد رامی را در کشورهای عربی مقبول خاص و عام کرده تا آنجا که برخی از هنرمندان و آهنگسازان کشورهای عربی را بر آن داشته است که ترجمه احمد رامی را جهت آهنگهای خوانندگان خود انتخاب نمایند .

نکته درخور ذکر آنستکه احمد رامی در برابر ترجمه عربی ، رباعیات خیام را ذکر نموده و در کتاب خویش باوردن ترجمه اکتفا کرده است و چنانکه گفتیم ترتیب ترجمه رباعیات احمد رامی را در هیچ یک از رباعیات چاپی و نسخ خطی خیام نتوان یافت بهمین جهت پیدا کردن رباعیات فارسی و قراردادن آنها در برابر ترجمه های احمد رامی کاری بس دشوار و مستلزم جستجو و دقت و وقت فراوانی است .

بارزی که در همه ترجمه های احمد رامی بچشم می خورد بعید بودن آنها از اصل فارسی و اندیشه خیام است و این نیز چندان شگفتی ندارد زیرا احمد رامی چنانکه خود گفته است زبان فارسی را در مدرسه السنه شرقیه فرا گرفته است و چندان در فهم زبان فارسی دقت ننموده است و ما می دانیم که فهم اسهات متون فارسی از نظم و نثر برای اساتید اهل زبان نیز خالی از صعوبت نمی باشد پس برای شاعری بیگانه چون احمد رامی چگونه ممکن است که مانند یک ایرانی خردسند و سلیم الذوق دقائق زبان شیرین فارسی را درک نماید . بنابراین همین مقدار ترجمه نیز از احمد رامی در خور تقدیر می باشد، بهرحال قدرت شاعری احمد رامی قابل توجه است و سلامت اسلوب و ترنم کلمات و تناسب آنها با یکدیگر از معیارات چشم گیر